

مسئله‌ی شفاعت از جمله مباحث مهم در تعالیم اسلامی است به گونه‌ای که چندین آیه قرآن به آن اختصاص یافته است، و نیز در احادیث اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. گذشته از این، پیوسته در کتب تفسیر و کلام مورد بحث و گفتگوی دانشمندان اسلامی قرار داشته است و بحث‌های فراوانی پیرامون آن مطرح گردیده است. در علم کلام از این مسئله غالباً در بحث معاد سخن به میان آمده است و احياناً در مبحث عدل الهی نیز مورد گفتگو واقع شده است. و این به خاطر ربط این مسئله با هر دو موضوع یاد شده است، زیرا از طرفی ظرف شفاعت، قیامت و سرای آخرت است و از طرف دیگر گاهی توهم شده است که شفاعت با عدل خداوند در مقام پاداش و کیفر (=جزا) سازگار نیست. از این روی تبیین عدل الهی مستلزم بررسی شفاعت و پاسخگویی به اشکال مزبور است. با توجه به این که عقاید دینی هر از چند گاهی به بهانه‌ها و شیوه‌های گوناگون از طرف دین ستیزان مورد هجوم و شک و تردید قرار می‌گیرد بر متکلمان الهی است که متناسب با این تهاجمات به دفاع‌های شایسته و درخور بپردازند، و عقاید دینی را تبیین و تحکیم نمایند، و به شبهات و اشکالات پاسخ گویند. نوشته‌ی حاضر گامی است در همین راستا، به این امید که بتواند در حدّ خود به این مهم جامه‌ی عمل بپوشاند.

## ۱. شفاعت در لغت

ابن منظور در لسان العرب گوید:

«الشفع، خلاف الوتر و هو الزوج تقول كان وترأ فشفعته شفعا» (۳)

لغت شناسان در معنی شفاعت چنین

گفته‌اند:

راغب در مفردات گوید: «شفع، ضمیمه

شدن چیزی به مانند خود است» (۱)

از این رو، کلمه‌ی شفاعت از ریشه شفّع به معنای جفت و ضم الشيء إلى مثله، گرفته شده و نقطه مقابل آن وتر به معنای تک و تنها است. سپس به ضمیمه شدن فرد برتر و قوی‌تر برای کمک به فرد ضعیف‌تر اطلاق گردیده است.

ابن فارس در مقاییس اللغة گوید:

«الشفع، يدلّ على مقارنة الشئین، من ذلك الشفع الوتر» (۲)

\* این مقاله زیر نظر استاد محترم حجة الإسلام والمسلمین جناب آقای ربّانی تنظیم شده است.

۱. مفردات راغب، ص ۲۶۳.

۲. ابن فارس، مقاییس اللغة: ۳/ ۲۰۱.

۳. ابن منظور، لسان العرب: ۷/ ۱۵۰.

دهد که شایسته و مستحق بخشودگی گردد» (۶).

## ۲. شفاعت در اصطلاح

شفاعت در اصطلاح اهل عرف و شرع به دو معنای متفاوت به کار برده می‌شود:

### الف. در اصطلاح اهل عرف

واسطه شدن برای دفع ضرر از کسی یا رساندن منفعتی به او. به عبارت دیگر: شخص شفیع نظر شخص صاحب قدرتی را در مورد زیر دستانش عوض کند چه با استفاده از نفوذ خود یا ایجاد وحشت در او. (۴)

### ب. در اصطلاح شرع

علامه طباطبایی در معنی شرعی شفاعت می‌گوید: «واسطه شدن در رساندن نفع یا دفع ضرر از کسی به عنوان حکومت نه به عنوان مبارزه و تضاد» البته غرض از حکومت این است که موضوعی را از مورد حکمی خارج ساخته و داخل در مورد حکم دیگری کند به طوری که حکم اول شامل آن نشود نه این‌که حکم شامل آن بشود ولی به وسیله ایجاد ضد، آن را از کار بیاندازد. (۵)

به دیگر سخن: «شخص شفاعت شونده موجباتی فراهم می‌سازد که از يك وضع نامطلوب و در خور کيفر بيرون آمده و به وسيله ارتباط با شفيع، خود را در وضع مطلوبی قرار

## ۳. فرق شفاعت در اصطلاح

### عرف و شرع

شفاعت در نزد عرف و شرع فرق‌هایی دارد که در ذیل به چند مورد اشاره می‌کنیم:

الف. شفاعت در اصطلاح عرف که همان شفاعت در دنیا باشد لازم نیست از طرف فرمانروا و مشفوع عنده مجاز باشد؛ ولی در قیامت اذن خداوند شرط قطعی شفاعت است.

ب. گناهکاران در دنیا به هر وضعی که باشند ممکن است از شفاعت شفعا بهره‌مند گردند و از کيفر نجات یابند؛ ولی شفاعت در قیامت شرایطی دارد که با کسب آن شرایط تحقق می‌پذیرد.

ج. در دنیا ممکن است کسی شفيعی را برانگیزد تا با شفاعت او کار ظالمانه و بر خلاف حقی انجام دهد؛ ولی شفاعت در قیامت چنین نبوده بلکه بر وفق عدل صورت می‌پذیرد. (۷)

د. در شفاعت شرعی شفيع تحت تأثیر مقام ربوبی قرار می‌گیرد ولی در شفاعت‌های باطل [دنوی] صاحب قدرت تحت تأثیر

۵. المیزان: ۱/ ۲۱۱.

۷. گفتار فلسفی، آیه الکرسی، ص ۲۳۴.

۴. تفسیر نمونه: ۱/ ۲۲۴.

۶. تفسیر نمونه: ۱/ ۲۲۴ با تلخیص.

سخنان شفیع قرار گرفته و خود شفیع تحت تأثیر مجرم قرار می‌گیرد. (۸)

#### ۴. انواع شفاعت

واژه‌ی شفاعت در قرآن و حدیث در موارد گوناگون به کار برده شده و بسیاری از موارد آن با مفهوم شفاعت مصطلح در باب حکمت سازش ندارد که آنها را تحت عناوین ذیل دسته‌بندی می‌کنیم.

##### الف. شفاعت در نظام آفرینش

فیض و رحمت پروردگار طبق نظام خاصی از مبدأ اعلیٰ به جانب موجودات فرود می‌آید و خداوند علل و اسبابی در نظام آفرینش قرار داده است. درباره‌ی این سلسله علل و وسایط شفاعت و شفاعا در قرآن به کار رفته است آنجا که می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ...﴾ (۹) پروردگار شما به حقیقت خداست که طبق صلاح و نظام خلقت جهان را از آسمانها و زمین در شش روز خلق فرمود، آن‌گاه ذات مقدسش بر عرش توجه کامل فرمود و امر آفرینش را نیکو ترتیب داد هیچ‌کس شفیع جز به رخصت او نخواهد بود.

ب. شفاعت به معنای پیشوایی (رهبری)

روابط معنوی که در این جهان برقرار است در آن جهان صورت عینی و جسمی پیدا می‌کند زمانی که يك انسان سبب هدایت و یا ضلالت انسان دیگر می‌شود رابطه رهبری و پیروی میان آنان به وجود می‌آید و همین رابطه در قیامت مجسم می‌گردد قرآن می‌فرماید: ﴿يَوْمَ تَدْعُو كُلُّ أُنَاثٍ بِإِمَامِهَا﴾. (۱۰)

##### ج. شفاعت در آموزش و مغفرت

از آیات قرآن استفاده می‌شود که تمام کارها حتی آموزش و مغفرت و محو آثار گناه که يك امر حقیقی و تکوینی است توسط اسباب و واسطه‌هایی انجام می‌گیرد و این وسایط را می‌توان به عنوان شفیع قلمداد کرد. (۱۱)

##### د. شفاعت به معنای گواهی بر اعمال

علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «از نظر آیات قرآن به طور کلی هرگونه پاداش در روز قیامت به حکم الهی بعد از اجرای شهادت شهدا، گواهی گواهان داده می‌شود و اگر گواهی شهدا در قیامت نباشد اصولاً برای قیامت اساسی نخواهد بود گواهان به همین معنا واسطه‌ی رسیدن جزا و پاداشند». (۱۲)

#### ۵. شفاعت در آیات

در آیات قرآن پیرامون بحث شفاعت از

۱۰. اسراء/ ۷۱.

۹. یونس/ ۳.

۸. منشورجاوید: ۸/ ۱۱۶.

۱۲. میزان، ج ۱.

۱۱. شفاعت، ص ۵۰.

منظرهای گوناگونی نگاه شده است. در برخی از آیات، شفاعت نفی و در برخی دیگر اثبات شده است. در اینجا به تقسیم‌بندی آنها می‌پردازیم:

الف. آیات نفی

۱. آیاتی که شفاعت را به کلی نفی کرده است. از قبیل:

﴿وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ﴾ (۱۳)؛ نه شفاعت پذیرفته می‌شود و نه غرامت و بدل قبول می‌گردد.

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ (۱۴)؛ شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سود نمی‌بخشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ﴾ (۱۵)؛ ای اهل ایمان از آنچه روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از آن که بیاید روزی که کسی نه برای آسایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار می‌آید.

۲. آیاتی که شفیع را منحصر به خدا می‌داند و در نتیجه از دیگران نفی می‌کند از قبیل:

﴿مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ﴾ (۱۶)،

هیچ ولی و شفاعت کننده‌ای برای شما جز او.

نیست.

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا﴾ (۱۷)، بگو تمام شفاعت از آن خداست.

﴿لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ﴾ (۱۸) جز خدا آنها را یاوری و شفیی نیست.

۳. آیاتی که شفاعت را از افراد خاصی نفی کرده است.

﴿وَجُودُ ابْلِيسَ أَجْمَعُونَ﴾ \* قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ \* تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ \* إِذْ نُسْوِئُكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ \* وَمَا اضْلَلْنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ \* فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ﴾ (۱۹) و تمام سپاه شیطان به جهنم درآیند. و در دوزخ به خصومت با یکدیگر گویند. به خدا قسم که ما در گمراهی بسیار آشکار بودیم. بتها را مانند خدای عالمیان پرستش می‌کردیم. و ما را گمراه نکردند جز قوم تبه‌کار. (افسوس که امروز شفاعت کنندگانی برای ما وجود ندارد).

﴿وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ (۲۰) برای ستمکاران دوستی وجود ندارد و نه شفاعت کننده‌ای که شفاعتش پذیرفته شود.

۴. آیاتی که شفاعت بتها و شفاعتهای غیر مآذون را نفی می‌کند.

الف. شفاعت بت‌ها

۱. آیاتی که اصل شفاعت از آنها استفاده می‌شود که در اینجا به يك آیه اشاره می‌کنیم:

﴿وَمَا أَصْلَنَا إِلَّا الْمَجْرُمُونَ﴾ \*فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾. وما را گمراه نکرده جز قوم تبه‌کار. که در این روز نه شفیع داریم و نه دوستی که از ما حمایتی کند. (۲۵)

آیه‌ی شریفه، نبود شفیعان را برای آنان مولود گمراهی آنها به واسطه گناهکاران و شریک قرار دادن ایشان برای پروردگار قرار می‌دهد و این مطلب وقتی صحیح است که اصل شفاعت در قیامت وجود داشته باشد.

۲. آیاتی که شرایط شفاعت یا تأثیر آن را بیان می‌کند که به ذکر يك آیه اکتفا می‌کنیم.

از جمله شرایط شمول شفاعت رضایت خداوند است آنجا که می‌فرماید:

﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾. هیچ شفاعت کننده‌ای جز به اذن او وجود ندارد. (۲۶)

۳. آیاتی که شفاعت را برای خدا اثبات کرده و مخصوص او می‌داند.

از جمله‌ی آن آیات:

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً...﴾ \*بگو تمام شفاعت از آن خداست. (۲۷)

از مجموع دو دسته آیات نفی و اثبات

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَوَلاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ تُنَبِّئُونِ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾. (۲۱) و [این مردم نادان] بت‌هایی را به غیر خدا پرستش می‌کنند که آن بتان به آنها هیچ ضرر و نفعی نمی‌رسانند و می‌گویند که این بتان شفیع ما نزد خدا هستند بگو شما می‌خواهید خدا را یادآور سازید به چیزی که خدا در همه آسمانها و زمین علم به آن ندارد یاد دهید خدا از این نسبت و از آنچه شریک (و شفیع) او قرار می‌دهید منزّه و برتر است.

ب. شفیعان غیر مأذون

﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾ هیچ شفاعت کننده‌ای جز به اذن او وجود ندارد. (۲۲)

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند. (۲۳)

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ (۲۴)؛ در آن روز شفاعت سودی نمی‌بخشد جز کسی که خداوند رحمن به او اجازه داده و از گفتار او راضی باشد. (۲۵)

ب. آیات اثبات

شده است .

احمد بن محمد می گوید : از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود : «از دوستان من هر که مرا زیارت کند و حق مرا بشناسد روز قیامت از او شفاعت خواهم کرد» . (۳۰)

در این روایت امام علیه السلام زیارت و شناخت حق خود را از جمله شرایط شمول شفاعت می داند .

۲ . روایاتی که به مصادیق شیعیان اشاره دارند؛ در این جا به ذکر يك روایت بسنده می کنیم :

از ابو حمزه نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمود : «رسول خدا در حق امتش شفاعت خواهد کرد» . (۳۱)

۳ . روایاتی که دلالت دارد به این که رسول الله از چه کسانی شفاعت می کند . از قبیل :

در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید : «شفاعت من فقط برای اهل گناهان کبیره از میان امتم می باشد» . (۳۲)

۴ . روایاتی که دلالت دارد به این که تکذیب کننده‌ی شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد شفاعت واقع نمی شود . از جمله : حضرت علی علیه السلام می فرماید : «هرکس شفاعت پیامبر خدا را دروغ بشمارد به آن دست نخواهد

چنین نتیجه می گیریم که قرآن برخی از شفاعت ها را مردود می داند و برخی را می پذیرد اسلام نه مانند یهود و گروه بت پرست به طور مطلق صحه بر شفاعت نهاده و آن را در بست و بدون هیچ قید و شرطی قبول کرده است و نه مانند منکران شفاعت به کلی آن را طرد کرده و برای اولیای خدا حق و مقامی قایل نشده است . شفاعت در اسلام بین نفی و اثبات است که نوعی از آن را پذیرفته و اقسام دیگر را مردود دانسته است» . (۲۸)

## ۶. شفاعت در روایات

با مراجعه به روایات درمی یابیم که بحث شفاعت مورد عنایت قرار گرفته و از دیدگاههای مختلفی اشاره شده است از قبیل :

۱ . روایاتی که اشاره به شرایط شمول شفاعت دارند .

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «ای مردم پیوسته محبت ما خاندان را داشته باشید؛ زیرا هرکس با محبت ما خدا را ملاقات کند به شفاعت ما وارد بهشت می شود» . (۲۹)

در این روایت ، از جمله شرایط شمول شفاعت محبت خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان

یافت». (۳۳)

۴. اطاعت خدا

حضرت علی علیه السلام فرمود: «برای رسیدن به خواسته‌های خود (سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت) اطاعت خدا را شفیع خود قرار دهید». (۳۷)

دوم. شفیعیانی که روز قیامت شفاعت می‌کنند و آنان عبارتند از:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

امام باقر علیه السلام در این زمینه فرمود: «رسول خدا در حق امتش شفاعت خواهد کرد». (۳۸)

از حسین بن علی علیه السلام نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «به شفیعیانت بشارت ده که روز قیامت من از آنان شفاعت می‌کنم و چیزی جز شفاعت من سود نمی‌دهد». (۳۹)

شیخ مفید می‌گوید: «روز قیامت پیامبر صلی الله علیه و آله در حق گناهکاران از شیعه شفاعت می‌کند و خدا نیز شفاعت او را می‌پذیرد». (۴۰)

علامه در شرح تجرید می‌گوید: «اتَّفَقَ العلماء علی ثبوت الشفاعة للنبي صلی الله علیه و آله». (۴۱)

فخر رازی که از علمای بزرگ اهل سنت است در تفسیر کبیر می‌گوید: «امت اسلام بر این امر اجماع و اتفاق دارند که در آخرت برای

۷. شفیعیان کیانند

از جمله بحث‌های شفاعت این است که شفاعت از چه کسانی صادر می‌شود؟

شفیعیان دو گروه هستند:

اول. شفیعیانی که شفاعتشان در دنیا اثر می‌گذارد و باعث آموزش خدا و یا قرب به درگاه او می‌گردد که اینجا چند طایفه‌اند:

۱. توبه از گناه

اگر انسان از گناه خود توبه کند باعث آموزش گناهِش می‌شود، امام علی علیه السلام فرمود: «لا شفیع أنجح من التوبة»، شفیعی پذیرفته‌تر از توبه نیست». (۳۴)

۲. ایمان به رسول خدا

قرآن می‌فرماید: «آمَنُوا بِرَسُولِهِ» تا آنجا که می‌فرماید: «يَغْفِر لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ». (۳۵)

۳. عمل صالح

قرآن می‌فرماید: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ». خدا به آنان که ایمان آورده و کار نیکو کردند وعده‌ی آموزش و اجر عظیم فرموده». (۳۶)

۳۵. حدید/۲۸.

۳۸. محاسن، ص ۱۸۴.

۴۱. کشف المراد.

۳۴. نهج البلاغه: ۳/۲۴۲.

۳۷. نهج البلاغه: ۲/۱۹۹.

۴۰. اوائل المقالات، ص ۵۲.

۳۳. بحار الأنوار: ۸/۴۱.

۳۶. مائده/۹.

۳۹. عیون اخبار الرضا: ۲/۶۸.

حضرت رسول اکرم ﷺ حق شفاعت است. (۴۲)

ائمه اهل بیت ﷺ نیز از جمله شفیعان در روز قیامت می باشند.

محقق سید شریف در شرح المواقف می گوید: «أجمع الأمة على ثبوت أصل الشفاعة المقبولة له [حضرت محمد ﷺ]...». (۴۳)

امام صادق ﷺ در این باره می فرماید: «روز قیامت که می شود ما در حق گناهکاران شیعیان خود شفاعت می کنیم». (۴۴)

۲. حضرت زهرا - سلام الله عليها -

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من در روز قیامت شفاعت می کنم و شفاعتم پذیرفته می شود و علی ﷺ هم شفاعت می کند و شفاعت او نیز پذیرفته می شود...». (۴۷)

از جمله کسانی که در روز قیامت شفاعت می کند حضرت فاطمه - سلام الله عليها - می باشد.

استاد کلام شیعه مرحوم شیخ مفید می گوید:

در روایتی حضرت رسول اکرم ﷺ به زهرا ﷺ فرمود: «وقتی روز قیامت فرا رسد تو برای زنها شفاعت می کنی و من برای مردها». (۴۴)

«امامیه اتفاق نظر دارند که پیامبر گرامی ﷺ در روز رستاخیز مرتکبان گناه کبیره را شفاعت می کند نه تنها پیامبر بلکه امیر مؤمنان و پیشوایان معصوم ﷺ پس از وی نیز در حق شیعیان گناهکار خود شفاعت می کنند». (۴۸)

در جای دیگر حضرت فرمود: «هر زنی که نمازهای پنجگانه اش را بخواند و روزه ی ماه رمضان را بگیرد و در صورت استطاعت به زیارت خانه خدا برود و زکات مالش را بدهد و از همسرش اطاعت کند و پس از من علی ﷺ را به امامت قبول داشته باشد، چنین زنی به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت خواهد شد». (۴۵)

۴. انبیا

۳. ائمه معصومین ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره فرمود: «پیامبران برای کسانی که از روی اخلاص به یگانگی خدا گواهی می داده اند شفاعت می کنند». (۴۹)

۵. عالمان دین

۴۴. بحار الأنوار: ۱۰/۱۶۷.

۴۳. شرح المواقف: ۸/۳۱۳.

۴۲. تفسیر کبیر: ۱/۵۰۳.

۴۷. مناقب: ۲/۱۵.

۴۶. بحار الأنوار: ۸/۵۹.

۴۵. امالی صدوق، ص ۲۹۱.

۴۹. مستند احمد: ۳/۱۲.

۴۸. اوائل المقالات، ص ۱۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: «روز قیامت که عالم و عابد محشور می‌شوند هنگامی که در پیشگاه الهی می‌ایستند به عابد گفته می‌شود برو سوی بهشت و به عالم دانشمند گفته می‌شود بایست و آنها را که تعلیم و تربیت کرده‌ای شفاعت کن». (۵۰)

#### ۶. شهیدان راه خدا

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: شهید راه خدا برای هفتاد نفر از خویشاوندان خود شفاعت می‌کند. (۵۱)

در جای دیگر حضرت می‌فرماید: «سه گروه نزد خداوند شفاعت می‌کنند و خداوند شفاعت آنها را می‌پذیرد: انبیا، علماء، شهدا». (۵۲)

#### ۷. ملائکه

از جمله کسانی که خداوند به آنها اجازه‌ی شفاعت داده است ملائکه می‌باشند. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ (۵۳) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبر و فرشتگان و... شفاعت می‌کنند». (۵۴)

#### ۸. روزه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «روزه و قرآن برای کسی که روزه گرفته و در شبها قرآن تلاوت کرده است شفاعت می‌کنند. روزه می‌گوید: «پروردگارا من این شخص را از خوردن غذا و انجام شهوات در روز ممانع شدم پس شفاعت مرا درباره‌ی او بپذیر...». (۵۵)

#### ۹. توسل به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله

امام چهارم در دعایی این‌طور می‌فرماید: «بارالها درود بر محمد و آل او بفرست و توسل مرا به او، شفیع من گردان در روز قیامت که مرا سود دهد تویی از همه‌ی مهربانان مهربانتر». (۵۶)

#### ۱۰. درود فرستادن بر محمد و آل او

از امام سجاد علیه السلام در دعای ۳۱ صحیفه این‌طور نقل شده است: «بارالها بر محمد و آل او درود بفرست. درودی که برای ما در روز قیامت و روز نیازمندی به تو شفاعت کند». (۵۷)

#### ۱۱. متعلمان و حافظان قرآن که به آن

#### عمل می‌کنند

علی علیه السلام از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «کسی که قرآن را یاد بگیرد و حفظ کند و حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بداند

۵۰. بحار الأنوار: ۵۶/۸. ۵۱. سنن ابی داود: ۱۵/۲. ۵۲. بحار الأنوار: ۳۴/۸. ۵۳. نجم/ ۲۶. ۵۴. صحیح بخاری: ۱۶۰/۹. ۵۵. مسند احمد: ۱۷۴/۲. ۵۶. ملحقات صحیفه سجادیه، ص ۲۲۹. ۵۷. صحیفه سجادیه، ص ۱۶۵.

می‌تواند برای خویشاوند خود شفاعت کند؟ آن حضرت فرمود: آری مؤمن شفاعت می‌کند و شفاعت او پذیرفته می‌شود. (۶۳)

#### ۱۵. همسایگان

امام صادق علیه السلام فرمود: «همسایه، همسایه خود را شفاعت می‌کند». (۶۴)

بدیهی است که خویشاوند و یا همسایه‌ای می‌تواند شفاعت کند که از شرایط شفاعت برخوردار باشد.

#### ۸. عوامل تشریح شفاعت

از آنجایی که خداوند هیچ کاری را بدون حکمت انجام نمی‌دهد از این رو تشریح شفاعت از طرف حق تعالی عواملی دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

#### ۱. ایجاد امید و مبارزه با روح یأس

گناهان بزرگ سبب ایجاد روح یأس در انسان است و این یأس آنها را در آلودگی و غوطه‌ور شدن بیشتر در گناهان سوق می‌دهد ولی امید به شفاعت اولیاء الله به آنها نوید می‌دهد که اگر همین جا متوقف شوند و خود را اصلاح کنند ممکن است گذشته‌ی آنها توسط شفاعت جبران شود.

(مقید به احکام قرآن باشد) خداوند او را به‌واسطه اهل قرآن بودن، اهل بهشت قرار می‌دهد و شفاعت او را درباره‌ی ده نفر از خویشاوندانش که همه مستحق آتش باشند می‌پذیرد. (۵۸)

#### ۱۲. قرآن

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «قرآن را پیام‌زید، زیرا قرآن در روز قیامت اهل قرآن را شفاعت می‌کند». (۵۹)

علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «قرآن شفاعت کننده‌ای است که شفاعتش پذیرفته می‌شود». (۶۰)

#### ۱۳. خداوند متعال

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبران و فرشتگان و مؤمنان شفاعت می‌کنند آنگاه خدای متعال می‌فرماید: شفاعت من باقی مانده است؛ یعنی گروهی از آنان که به شفاعت شفاعت کنندگان نجات نمی‌یابند باز مشمول رحمت الهی می‌شوند». (۶۱)

#### ۱۴. خویشاوندان

امام صادق علیه السلام فرمود: «خویشاوند، خویشاوند خود را شفاعت می‌کند». (۶۲)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا مؤمن

در روز قیامت پنج‌اند: قرآن، صله رحم، امانت، پیغمبر شما و اهل بیت پیغمبر شما» (۶۶)

تأکیدی که به توجه دادن به این سلسله شفیعیان شده است دلیلی بر جنبه‌های تربیتی مسئله شفاعت است. (۶۷)

### ۵. نیاز به رحمت گسترده خداوند

رسیدگی به نیکبختی گرچه بستگی تام به کارهای آدمی دارد، اما آیات قرآن با صراحت نشان می‌دهد که تا وقتی رحمت واسعه‌ی الهی با اعمال صالح انسان ضمیمه نشود آن اعمال برای نجات آدمی کافی نخواهد بود. (۶۸)

### ۹. شرایط بهره‌مندی از شفاعت

هرچند مسئله شفاعت از اصول مسلم و قطعی اسلام است اما تابع شرایط و مقتضیات خاص و ویژه‌ای می‌باشد که مهمترین آنها اذن و رضایت خداوند است

از شرایط اصلی و اساسی شفاعت این است که باید با اذن الهی باشد، بنابراین چنین نیست که هرکس بتواند در مورد هرکس که بخواهد شفاعت کند.

گذشته از این که اصل شفاعت بایستی با اذن الهی باشد شخص شفیع نیز باید از کسانی

در قانون جزایی و کیفری ملت‌ها، قانونی به نام «عفو زندانیان و مجرمان بزرگ و محکومان به حبس ابد» وجود دارد؛ نکته‌ی آن این است که روزنه‌ی امیدی برای این افراد باز شود و در برنامه‌ی زندگی خود تجدید نظر نمایند و اگر این روزنه نبود علت نداشت که در همان محیط آرام بنشینند و دست به جنایت نزنند» (۶۵)

### ۲. ایجاد رابطه معنوی با اولیاء الله

شفاعت منوط به وجود نوعی رابطه در میان شفیع و شفاعت شونده است، رابطه‌ای معنوی از نظر ایمان و بعضی از صفات فاضله. مسلماً کسی که امید به شفاعت دارد سعی می‌کند به نوعی این رابطه را برقرار سازد و ایجاد چنین رابطه‌ای عامل مؤثری برای تربیت او خواهد بود.

### ۳. تحصیل شرایط شفاعت

کسی که امید به شفاعت دارد باید شرایط آن را فراهم سازد. از این رو در اعمال گذشته‌ی خویش تجدید نظر می‌کند و نسبت به آینده تصمیم بهتر می‌گیرد و این نیز عامل مؤثر در تربیت اوست.

### ۴. توجه به سلسله شافعان

در روایتی پیامبر ﷺ می‌فرماید: «شفیعیان

رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که به عرب خیانت کند در شفاعت من داخل نشود و دوستی من به او نرسد» (۷۱) مراد از عرب همان مسلمان است، زیرا در آن روز مسلمانان منحصر در اعراب بودند.

۴. دشمنی نکردن نسبت به اهل بیت ﷺ  
امام صادق علیه السلام می فرماید: «مؤمن دوست خود را شفاعت می کند مگر آن که دشمن اهل بیت باشد که اگر او را تمامی پیامبران مرسل و فرشتگان مقرب شفاعت کنند پذیرفته نخواهد شد». (۷۲)

#### ۵. کوچک نشمردن نماز

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «پدرم به هنگام وفات به من فرمود: ای فرزندم! شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک شمارد نمی رسد». (۷۳)

۶. تکذیب نکردن شفاعت رسول خدا ﷺ  
امام رضا علیه السلام فرمود: که امیر مؤمنان علیه السلام گفت: «کسی که شفاعت رسول خدا ﷺ را دروغ بشمارد از آن بهره مند نخواهد شد». (۷۴)

#### ۷. کافر نبودن

از امام هشتم علیه السلام پرسیدند که معنای این آیه ﴿لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾ چیست؟  
فرمود: معنایش این است که شفاعت نمی کنند

باشد که خداوند نسبت به شفاعت از سوی آنان رضایت دارد؛ از این رو هرکس نمی تواند مدعی حق شفاعت باشد.

رضایت خدا نسبت به شفاعت شونندگان نیز شرط است یعنی چنین نیست که فیض شفاعت بدون استثناء شامل حال همه بشود بلکه هرکس شرایط شفاعت را دارد مشمول آن خواهد شد.

اذن و رضایت خداوند در مورد شفاعت شونندگان در گرو شرایط ویژه ای است. با توجه به آیات و روایات برخی از شرایطی که بایستی در شفاعت شونندگان وجود داشته باشد تا خداوند نسبت به شفاعت در حق آنان راضی باشد به قرار ذیل است:

#### ۱. مشرک نبودن

رسول خدا ﷺ فرمود: «شفاعت من - به خواست خداوند - به کسانی خواهد رسید که در حال مرگ مشرک نباشند». (۶۹)

#### ۲. اخلاص در ادای شهادتین

رسول خدا ﷺ فرمود: «شفاعت من از آن کسی است که با اخلاص بر وحدانیت خداوند شهادت دهد و دلش، زبانش را تصدیق کند و زبانش دلش را». (۷۰)

#### ۳. خیانت نکردن

۷۱. همان / ۱ / ۷۲.

۷۰. همان مدرک، ص ۳۰۷.

۶۹. مستند احمد / ۲ / ۴۲۶.

۷۴. عیون اخبار الرضا / ۲ / ۶۶.

۷۳. کلینی، کافی / ۳ / ۲۷۰.

۷۲. ثواب الاعمال، ص ۲۵۱.

است یا ظلم، اگر موافق عدالت است پس اصل حکم که مستلزم عقاب می‌شود بر خلاف عدل است و ساحت مقدس خداوندی از چنین حکمی منزّه است. و اگر ظلم است شفاعت انبیا در مورد آن تقاضای ظلم از خداوند خواهد بود و دامان پیامبران الهی علیهم‌السلام از چنین نسبتی پاک است.

#### پاسخ:

علامه طباطبایی در جواب این اشکال

چنین می‌گوید:

«این ایراد را از دو راه می‌توان جواب داد:

۱. راه نقضی؛ زیرا این اشکال در مورد اوامر امتحانی نیز موجود است چه این‌که امر امتحانی در يك زمان ثابت و در زمان دیگر مرتفع می‌شود و هر دو بر وفق عدل است و منظور آن آزمایش باطن مکلف و ابراز ضمیر او یا به فعلیت رسانیدن قوه اوست؛ چه مانعی دارد عقاب مجرم هم يك زمان ثابت و بعداً به وسیله شفاعت از بین برود، یعنی در واقع مقرر شده باشد که همه مؤمنان نجات یابند و منظور از جعل احکام و عقاب‌هایی که برای مخالفت با آنها تعیین شده این است که کفار بر اثر کفرشان به هلاکت برسند و از مؤمنان آنهایی که فرمانبرداری کرده‌اند به درجات عالی اطاعت نائل شده و گناهکاران آنها به وسیله شفاعت به

جز برای کسی که دین او مورد رضایت و پسند خدا باشد [واضح است که کافر، دین مورد پسند خدا را ندارد]. (۷۵)

#### ۸. ستمگر نبودن

قرآن می‌فرماید: ﴿... مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ﴾ ستمگران را هیچ خویش و دوستی که حمایت کند و شفيعی که شفاعتش پذیرفته شود نخواهد بود. (۷۶)

#### ۹. آزار کننده ذریه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نباشد

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «... به خدا سوگند برای کسانی که ذریه و فرزندان مرا آزار کرده باشند شفاعت نمی‌کنم». (۷۷)

\*\*\*

#### ۱۰. بررسی اشکالات در مورد شفاعت

شفاعت در اسلام مفهومی کاملاً متفاوت با آنچه در میان توده‌ی مردم است دارد و اشتباه این دو با یکدیگر سرچشمه‌ی اصلی بسیاری از اشکالات و اشتباهاتی است که در این مسئله رخ داده است که در اینجا با اشاره‌ی اجمالی به بیان این ایرادات و پاسخ آنها می‌پردازیم:

#### اشکال اول:

برطرف شدن عقوبت از گناهان در قیامت بعد از تصویب آن به حکم خدا یا موافق عدل

نجاتی که برای آنها مقرر گردیده برسند.

۲. راه حلی؛ و آن این که این ایراد در

صورتی وارد است که برطرف شدن عقاب به وسیله‌ی شفاعت به عنوان نقض حکم اصلی یا نقض حکم به عقاب باشد، ولی تأثیر شفاعت به عنوان حکومت و خارج ساختن مجرم از تحت عنوان عقاب به وسیله استمداد از صفات عالیه خداوند مانند رحمت و عفو و مغفرت و یا مقامات شخص شفاعت کننده است نه به عنوان معارضه و در عین موضوع آن، خلاصه این که موضوع شفاعت و موضوع حکم اصلی متغایر است». (۷۸)

### اشکال دوم

سنت خدا بر این جاری شده که افعال خود را یکنواخت و بدون استثنا مقرر دارد و در عالم اسباب نیز سنت بر همین است ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ (۷۹) در حالی که وجود شفاعت ایجاب می‌کند که در افعال خدا اختلاف باشد؛ زیرا اگر بخواهد عقاب را از عموم مجرمان در تمام جرمهایشان بردارد نقض غرض خواهد بود که در باره‌ی خداوند محال است و نیز جعل عقاب عمل بیهوده‌ای می‌شود و آن با حکمت خدا سازش ندارد و اگر آن را از بعضی از مجرمان و یا در بعضی از موارد جرم بردارد مستلزم اختلاف

در فعل و تبدیل در سنت جاریه و طریقه همیشگی او خواهد بود.

### پاسخ:

«تردیدی نیست که سنت خدا واحد و روش او مستقیم و یکنواخت است ولی این سنت یکنواخت فقط بر اساس يك صفت از صفات او یعنی صفت «تشریح و حکم» بنا نشده تا هیچ حکم و جزایی از مورد خود تخلف نکند بلکه این سنت مبتنی بر تمام صفات عالیه اوست.

توضیح این که: آنچه در عالم وجود دارد - اعم از زندگی و مرگ و روزی و نعمت و غیر آن - از ناحیه‌ی ذات اقدس ربوبی است ولی ارتباط این امور مختلف به خداوند يك رقم و به وسیله‌ی يك رابطه معین نیست؛ زیرا در این صورت ارتباط و سببیت از بین خواهد رفت و هر چیز سبب هر چیز خواهد بود مثلاً خداوند مریض را بی جهت و بدون مصلحت شفا نمی‌دهد همچنان که سبب آن صفت «ممیت [=میراننده]» و منتقم بودن حق نیست بلکه سبب آن شفا دهنده بودن اوست. بنابراین، هر حادثه‌ای از جنبه‌های وجود خود مستند به يك یا چند صفت از صفات عالیه حق است که به تناسب و اختلافی که در میان آنها واقع می‌شود و اقتضائات حاصله از آن، وجود پیدا می‌کند. خلاصه این که وقوع شفاعت و

شرایط و اسباب دیگر حال تازه‌ای بر خلاف حال اول پیدا می‌کند خداوند هم چیزی دربارهی او اراده می‌نماید. (۸۱)

#### اشکال چهارم:

وعده‌ی شفاعت از طرف خدا و تبلیغ آن به وسیله‌ی انبیا علیهم‌السلام موجب تجری و جسور شدن مردم بر ارتکاب معاصی است و این با غرض اصلی دین که سوق مردم به بندگی و اطاعت است سازش ندارد، لذا باید آیات و روایاتی را که دلالت بر شفاعت دارد طوری تأویل کرد که با این معنی سازش داشته باشد.

#### پاسخ:

علامه طباطبایی این ایراد را در پاسخ نقضی و حلی داده است:

«پاسخ نقضی: از راه نقض به آیاتی که دلالت بر شمول و توسعه رحمت خداوند دارد مانند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ (۸۲) این آیه مربوط به توبه نیست چون شرك با توبه آمرزیده می‌شود.

پاسخ حلی: وعده‌ی شفاعت و تبلیغ آن در صورتی موجب تجری بر معصیت می‌شود که دو شرط در آن جمع گردد. اول: تعیین مجرم به نام و نشان یا تعیین گناهی که شفاعت در آن واقع می‌شود به صورت منجز نه این که معلق بر شرط مشکوک الوجودی بوده باشد.

مرتفع شدن عقاب به واسطه‌ی آن از نظر این که نتیجه اسباب مختلفی مانند رحمت و مغفرت و حکم و قضا و رساندن حق به حق‌دار و قضاوت صحیح است هیچ‌گونه اختلاف و تغییری در سنت جاریه حق تولید نمی‌کند. (۸۰)

#### اشکال سوم:

شفاعت معروف در نزد مردم این است که شخص شفاعت‌کننده مولا و حاکم را بر خلاف اراده خود وادار کند خواه حکمی از وی صادر شده باشد یا نه. به دیگر سخن، حقیقت شفاعت این است که مولا مراد و منظور خود را برای خاطر شفیع ترك و نسخ کند.

و واضح است که این در مورد خداوند متعال صحیح نیست چه این که اراده او بر طبق علم اوست و علم او ازلی و لا یتغیر است.

#### پاسخ:

«در مورد شفاعت تغییری در علم و اراده خدا حاصل نمی‌شود تغییر تنها در مراد و معلوم است به این معنی که خدا می‌داند مثلاً فلان انسان حالات مختلفی بر او عارض می‌شود در فلان روز بر اثر وجود شرایط و اسباب خاصی حالی را دارد که در آن حال خداوند اراده‌ای دربارهی او می‌کند سپس روز دیگر به واسطه

دوم: تأثیر شفاعت به طور مطلق در تمام انواع گناهان در تمام ازمه به طوری که اثر آن را به کلی معدوم کند.

ولی اگر این دو قسم مبهم گذارده شود و تعیین نشود که شفاعت در چه گناهان و در حق چه اشخاصی هست در این صورت هیچ کس نمی‌داند آیا مشمول شفاعت خواهد شد یا نه و با این وضع کسی جرأت بر معاصی پیدا نمی‌کند.

و از طرفی احتمال شمول شفاعت نسبت به او، روح رجا و امیدواری را در وی بیدار کرده و از یأس از رحمت خدا در برابر گناهان جلوگیری به عمل می‌آورد. (۸۳)

استاد شهید مطهری نیز در پاسخ این ایراد می‌گوید:

«همان‌طوری که اعتقاد به مغفرت خدا موجب تجری نمی‌گردد و تنها ایجاد امیدواری می‌کند همین‌طور اعتقاد به شفاعت هم موجب تشویق گناه نمی‌باشد توجه به این نکته که شرط شمول مغفرت و شفاعت مشیت خدا و رضای اوست روشن می‌کند که اثر این اعتقاد تا این اندازه است که دلها را از یأس و نومیدی نجات می‌دهد و همواره بین خوف و رجا ننگه می‌دارد. (۸۴)

«هرگاه اعتقاد به شفاعت مایه‌ی جرأت گردد پس اعتقاد به پذیرفته شدن توبه افراد

گنهکار و نوید به آن که خداوند توبه گنهکاران را می‌پذیرد باید مایه‌ی جرأت گناهکاران گردد در حالی که در میان تمام ملل جهان مسئله‌ای به نام توبه و پشیمانی گروه عاصی وجود دارد و در شرایط خاصی ندامت آنها پذیرفته می‌شود. (۸۵)

اشکال پنجم:

هیچ‌گونه دلیلی بر شفاعت از عقل و نقل نداریم، زیرا نهایت چیزی که به حکم عقل می‌توان آن را اثبات کرد امکان شفاعت است نه وقوع آن؛ تازه آن هم قابل انکار است و از ادله‌ی نقلی، قرآن دلالتی بر وقوع آن ندارد، زیرا در برخی از آیات شفاعت به کلی نفی شده مانند ﴿لَا يَبِيعُ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ﴾ (۸۶) و در پاره‌ای منفعت آن نفی گردیده مانند: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾. (۸۷)

پاسخ:

«آیاتی که به طور کلی نفی شفاعت می‌کنند منظور از آنها نفی شفاعت بدون اذن و رضای خداست و آیاتی که منفعت شفاعت را نفی می‌کنند، آیات داله بر شفاعت‌اند؛ زیرا در آنها سخن از طایفه خاصی از مجرمان است نه از همه‌ی مجرمان. (۸۸)

و به عبارت دیگر:

«شفاعت بر دو نوع است باطل و صحیح؛ و علت این که در برخی از آیات

۸۴. عدل الهی، شهید مطهری، ص ۲۵۸.

۸۸. میزان: ۱/ ۲۲۱.

۸۷. مدثر/ ۴۸.

۸۳. میزان: ۱/ ۲۱۸ با تلخیص.

۸۶. بقره/ ۲۵۵.

۸۵. منشور جاوید: ۸/ ۸۹.

«شکی نیست که این از مصادیق شفاعت است ولی شفاعت منحصر در این نیست و آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾<sup>(۹۱)</sup> دلالت دارد که شفاعت منحصر به آنچه در اشکال گفته شد نیست». (۹۲)

#### اشکال هفتم:

شفاعت برای کیست؟ آیا برای افراد نادم و پشیمان از گناه است؟ آنها که نیاز به شفاعت ندارند؛ زیرا توبه همان ندامت است و مایه نجات آنهاست و با وجود توبه چه نیازی به شفاعت است؟ و اگر درباره‌ی کسانی است که از گناه پشیمان نیستند بلکه در مقابل آن جسور و بی‌پروا هستند چنین کسانی لایق شفاعت نیستند.

#### پاسخ:

«اولاً توبه شرایطی دارد چه بسا انسان موفق به انجام شرایط آن نشود؛ چون از جمله شرایط، اصلاح گذشته است و ممکن است کسانی نتوانند گذشته را اصلاح کنند. ثانیاً: ممکن است کسی به گناهی آلوده باشد و هنوز توفیق توبه و ندامت برای او حاصل نشده باشد اگر احساس کند که امکان دارد در قیامت شفیعان دست او را بگیرند به شرط این که گناهان دیگر را ترك کند و کارهای خیر انجام دهد همین معنا سبب تشویق او به ترك گناه و انجام اعمال خیر خواهد شد». (۹۳)

قرآن، شفاعت مردود شناخته شده و در برخی دیگر اثبات شده، وجود دو نوع تصور از شفاعت می‌باشد و قرآن خواسته که اذهان را از شفاعت باطل متوجه شفاعت صحیح بفرماید. (۸۹)

از این جا پاسخ اشکال دیگر نیز روشن شد و آن این که آیات شفاعت متشابه است، زیرا برخی شفاعت را اثبات و برخی نفی کرده است.

پاسخ این است که با مطالعه مجموع آیات مربوط به شفاعت تشابه حل می‌شود، زیرا آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند، و متشابه با ارجاع به محکم، حکم محکم را پیدا می‌کند. (۹۰)

#### اشکال ششم:

آیات قرآن، دلالت صریحی بر ارتفاع عقاب در قیامت پس از ثبوت جرم و عقاب در حق مجرم‌ان ندارد بلکه منظور از شفاعت انبیا این است که آنها با وساطت میان خداوند و بندگان به این طریق که احکام و دستورات حق را از راه وحی گرفته و به مردم برسانند و آنها را هدایت کنند، مقدمات نجات آنها را در آخرت فراهم سازند.

#### پاسخ:

علامه طباطبایی در جواب این اشکال چنین می‌گوید:

## اشکال هشتم:

پاسخ:

«اگر مجازات‌ها جنبه‌ی تکوینی داشته باشد اولیاء الله به عنوان يك وجود برتر در کنار «شفاعت شونده» قرار گرفته و استعداد ناقص او را با امدادهای معنوی خود به تکامل می‌رسانند و در نتیجه بر آثار تکوینی گناه غلبه می‌کنند». (۹۵)

اشکال دهم:

آیا اعتقاد به شفاعت عامل عقب‌افتادگی نیست؟ اعتقاد به شفاعت سبب می‌شود که افراد بر عمل خود تکیه نکنند و لیاقت و استعداد خویش را به مرحله‌ی ظهور و بروز نرسانند. به عبارت دیگر شفاعت با این اصل که «لیس للإنسان إلا ما سعی» منافات دارد.

پاسخ:

«شفاعت به مفهوم قرآنی نه تنها عامل عقب‌افتادگی نیست بلکه دعوت مؤثری برای اصلاح و ترك گناه و جبران گذشته و امید به آینده و حرکت به سوی نیکیها و پاکيها است». (۹۶)

استاد شهید مطهری در پاسخ این اشکال چنین می‌گوید:

«شفاعت با اصل عمل منافات ندارد، زیرا عمل به منزله علت قابل، و رحمت پروردگار به منزله علت فاعلی می‌باشد». (۹۷)

آیا شفاعت با عدل الهی سازگار است؟ چگونه ممکن است عده‌ای گناهکار شبیه با هم وجود داشته باشند جمعی در پرتو شفاعت از مجازات الهی رهایی یابند و گروهی گرفتار مجازات شوند آیا این تبعیض، مخالف با عدالت پروردگار نیست؟

پاسخ:

«اولاً شفاعت بدون زمینه‌ی مناسب انجام نمی‌گیرد هر کس لایق آن باشد مشمول شفاعت می‌شود پس تبعیض انجام نمی‌گیرد و ثانیاً: مجازات گناهکار عین عدالت است اما پذیرش شفاعت نوعی تفضل می‌باشد تفضلی که از يك سو به خاطر زمینه‌های مناسب شفاعت شونده و از سوی دیگر به خاطر آبرو و احترام و اعمال صالح شفاعت کننده است». (۹۴)

اشکال نهم:

مجازات‌های قیامت اثر تکوینی اعمال است چگونه با شفاعت قابل دفع است؟ شفاعت تنها در مورد مجازاتهای قراردادی و تشریحی به درد می‌خورد و شفاعت کننده سبب شود که اجرای حکم در مورد «شفاعت شونده» متوقف گردد ولی وقتی قبول کنیم مجازات‌های قیامت غالباً اثر وضعی و طبیعی اعمال است مانند تأثیر سم در کشتن انسان، این اثر چیزی نیست که با شفاعت قابل تغییر باشد.

۹۵. همان مدرک، ص ۵۳۴.

۹۷. عدل الهی، ص ۲۵۸.

۹۴. پیام قرآن: ۶/۵۳۳ با تلخیص.

۹۶. پیام قرآن: ۶/۵۳۵.